

word:	definition:	Example 1:
Excel بی نظیر بودن	be better than; do better than برتری داشتن ، بهتر بودن	Because he was so small, Larry could not excel in sports. لاری چون به لحاظ جثه خیلی کوچک بود، نتوانست در مسابقات از همه بهتر باشد
Feminine زنانه	of women or girls زنانه ، مونث	When my sister wants to look feminine, she changes from dungarees into a dress. وقتی خواهرم می خواهد تا زنانه تر به نظر آید، او لباس کارش را عوض می کند و پیراهن زنانه می پوشد
Mount سوار شدن - بالا رفتن	get up on سوار شدن ، بالا رفتن از	Congressman Gingrich mounted the platform to make his speech. گینگریچ نماینده کنگره، برای ایراد سخنرانی از تریبون بالا رفت
Compete رقابت کردن	try hard to get something wanted by others; be a rival تلاش سخت برای دست آوردن چیزی که دیگران هم خواهان آن هستند ، رقابت کردن	Steffi Graf was challenged to compete for the tennis title. استفی گریفه مبارزه دعوت شد تا برای عنوان قهرمانی تنیس مسابقه دهد
Dread هراس - وحشت	look forward to with fear; fear greatly; causing great fear با ترس چشم انتظار چیزی بودن ، خیلی ترسیدن ، خیلی ترساندن	The poor student dreaded going to school each morning. دانش آموز ضعیف هر صبح از رفتن به مدرسه وحشت داشت
Masculine مردانه	of man; male مردانه ، مذکر	The boy became more masculine as he got older. هر چه سن پسر بچه بالا رفت [رفتارش] مردانه تر شد
Menace تهدید - خطر	threat تهدید	Irv's lack of respect made him a menace to his parents. احترام نگذاشتن /ایروا/ او را تبدیل به تهدیدی برای والدینش کرد
Tendency تمایل - گرایش	leaning; movement in a certain direction گرایش ، حرکت به سوی خاص ، تمایل	My algebra teacher has a tendency to forget the students' names. معلم جبر من عادت دارد که نام دانش آموزان را فراموش کند
Underestimate کمتر از حد برآورد کردن	set too low a value, amount, or rate دست کم گرفتن	I admit that I underestimated the من اعتراف می کنم که قدرت بدنی آن رزمنده تنومند را دست کم گرفتم

			power in the bulky fighter's frame.
Victorious	فاتح - پیروزمندانه	having won a victory; conquering	پیروز ، فاتح
Numerous	متعدد	very many; several	بسیار زیاد ، متعدد
Flexible	انعطاف پذیر	easily bent; willing to yield	تاشو ، انعطاف پذیر
			جاینتز که در نیوجرسی / بازی می کردند، دو سال پی در پی فاتح بودند
			Playing in New Jersey, the Giants were victorious two years in a row.
			Critics review numerous movies every week.
			منتقدین، فیلم های زیادی را هر هفته مرور می کنند
			The toy was flexible, and the baby could bend it easily.
			اسباب بازی نرم بود و کودک به راحتی می توانست آن را خم کند